

ساختار سازی اخلاقی در پیشگیری فرهنگی از اعتیاد به مواد مخدر

غلامرضا مهدوی^۱

محمود قیوم زاده^۲

چکیده

ساختار اخلاقی و مفهوم آن شامل معنای اصطلاحی و عرفی بوده و جایگاه اخلاق در این خصوص از اهمیت والایی برخوردار است.

فرهنگ و مفهوم آن مبنی بر اینکه اساساً فرهنگ چیست و چه ویژگی‌هایی در جهت پیشرفت اخلاقیات جامعه دارد و ارتباط آن با اخلاق جزء مباحث اساسی اخلاق اجتماعی می‌باشد. پیشگیری و مفهوم آن و انواع پیشگیری و اهداف پیشگیری و نقش آن در فرهنگ سازی اخلاقیات در جهت جلوگیری از اعتیاد در جامعه از لایه‌های اساسی پژوهش حاضر است. همچنین علل گرایش به اعتیاد مورد کاوش قرار گرفته که عبارتند از: لذت جویی، نارضایتی، نابدرباری، زیاده خواهی، ناسپاسی،... و اینکه اساساً اعتیاد چیست و معتاد کیست؟ تبیین شده و راهکارهای لازم در خصوص این موارد ارائه گردیده است.

در مورد الگوهای اخلاقی در پیشگیری فرهنگی از اعتیاد مبنی بر اینکه رویکرد اخلاق اسلامی بر مبنای خیرباوری است نه لذت جویی و یا رنج و با قبول اینکه عملکرد هر انسان تابع نگرشی است که به جهان هستی و نظام حاکم بر آن دارد در نتیجه اصلاح رفتار و تغییر رویکرد لذت جویی به خیر باوری با زهد و تقوا و یاد مرگ و با جایگزین نمودن واکنشهای غیر کیفی به نام اخلاق بجای واکنشهای کیفی و مجازات در اثر ترویج فرهنگ اخلاق اسلامی که سبب کاهش هزینه های مادی و معنوی مصرف مواد مخدر و پیشگیری از اعتیاد خواهد بود از نتایج پژوهش حاضر می‌باشد.

واژگان کلیدی

ساختار اخلاقی، پیشگیری، فرهنگ، مواد مخدر، اعتیاد.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.
Email: Mahdavitaha80@yahoo.com

۲. استاد تمام گروه معارف و حقوق، واحد ساوه دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: Maarefteacher@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۹

طرح مسأله

اعتیاد پدیده‌ای ناهنجار و پیچیده اجتماعی است که مهمترین ویژگی آن، بروز رفتارهای داروطلبانه به مصرف نوع خاصی از مواد مخدر است و با وجود عواقب زاینبار آن رفتارهای ارادی نامناسبی انجام می‌دهد و باید توجه داشت که شخص معتاد در ابتدا مواد مخدر را برای احساس رضایت جسمی یا روانی مصرف می‌نماید ولی بصورت فزاینده‌ای نسبت به مضرات آن و سلامت خود بی‌توجه است، فلذا می‌توان گفت که اعتیاد در ابتدا نوعی از احساس رضایت مندی، هیجان، لذت یا تلفیقی از این حالات را در فرد معتاد بوجود می‌آورد که منجر به میل و رغبت هر چه بیشتر به مصرف مواد مخدر می‌گردد و اساساً یک معتاد به هر علتی از علل اجتماعی، اقتصادی، افسردگی، روانی، بیکاری و سرخوردگی، ... که به اعتیاد گرایش پیدا کرده و احساس می‌نماید که تنها راه رهایی از این مسایل رو آوردن به مواد مخدر است که هم موجب فراموشی مشکلاتش می‌شود و هم سبب رضایت مندی و لذت بخشی می‌گردد، فلذا با پذیرش اینکه اعتیاد یکی از مشکلات جدی جوامع امروزی و دارای ابعاد مختلفی است و از جمله این ابعاد بعد معنوی آن می‌باشد و بررسیهای انجام شده در داخل و حتی خارج از کشور از اهمیت دینی و اخلاقی بعنوان عاملی قوی و پیشگیری کننده از مصرف مواد مخدر و روانگردانها و در غوطه ور شدن در مهلکه اعتیاد حکایت دارند و چنانچه افراد جامعه از نظر اخلاقی و معنوی قوی باشند و عبارت دیگر ساختار اخلاقی بصورت یک فرهنگ فردی و اجتماعی مورد پذیرش قرار گیرد احتمال مصرف مواد مخدر در آنها بسیار کمتر خواهد بود چرا که رویکرد اخلاق اسلامی در پیشگیری از اعتیاد به تناسب هر کدام از عوامل، راه کارهایی را ارائه می‌دهد و در نهایت این راه کارها خود، مبنایی اساسی و کلی دارند که همه آنها را تحت کنترل و پوشش قرار می‌دهد.

بنحویکه در مواجهه با عامل لذت جویی، باید رویکرد لذت را تغییر داد، بدین منظور باید نخست لذتجویی را تعدیل نمود که برای آن دو راه کار اساسی وجود دارد: یکی تنظیم نظام رغبت و علاقه انسان که همان مفهوم اخلاق اسلامی «زهد و تقواست» و موجب می‌گردد رغبت فرد از لذتهای ناپایدار و نادرست به لذتهای پایدار و درست سوق پیدا کند و دیگری تنظیم نگاه نسبت به زندگی و پایان پذیری آن است که در همان مفهوم اخلاق اسلامی «بیاد مرگ» است و موجب می‌شود لذت جویی انسان در زندگی دنیا تعدیل گردد و پس از تعدیل لذت جویی، نوبت رویکرد «خیر» است و ما نه برای کسب لذت بلکه برای کسب خیر باید زندگی کنیم و فلسفه زندگی در اسلام همین «خیر» است، حتی فلسفه اسلام مبتنی بر رنج نیز نیست.

از دیدگاه اسلام، انسان باید به دنبال خیر باشد نه لذت یا رنج هر چند که خیر ممکن است همراه با رنج و لذت هم باشد اما وقتی «خیر» محور قرار گرفت دیگر برای انسان فرق نمی‌کند که در رنج است یا در لذت و ایجاد فلسفه خیر نیازمند دو چیز است: یکی ایمان به «تقدیر»

بودن امور عالم و دیگری (خیر) بودن تقدیرهای خداوند متعال.

در نتیجه ، همین ساختار اخلاقی اگر بعنوان فرهنگ جامعه مورد قبول واقع شود می تواند تمامی عوامل نارضایتی ، ناسپاسی، نابردباری و زیاده خواهی را حل کند و فرهنگ خیر باوری جایگزین این ناملایمات زندگی گردد و بصورت الگوی مناسب پیشگیری از اعتیاد بکار گرفته شود.

معنای اصطلاحی اخلاق

اخلاق جمع خلق و خلق به معنای خوی و خصلت است. (معین، ۱۳۸۲، ص ۵۶)
به معنای صفات درونی در مقابل خلق که هیات و شکل ظاهری و جسمی آدمی است که با چشم دیده می شود و خلق و خوی ، آن دسته از صفات را در بر می گیرد که در نفس راسخ باشند و به راحتی زایل نشوند .
خلق ، صفتی نهادینه شده در درون انسان است به گونه ای که انسان، بی درنگ و بدون اندیشه، کار پسندیده و یا ناپسندیدی را انجام دهد.

معنای عرفی اخلاق

اخلاق جدای از معنای اصطلاحی آن معنایی عرفی هم دارد که عبارت است از اینکه لایه ای از رفتار انسان که در رفتار او با دیگران پدیدار می شود مثلاً وقتی که می گوئیم فلانی اخلاقش خوب است یعنی او دارای صفات پسندیده است که باعث شده دیگران نسبت به شخصیت و رفتار او احساس خوبی داشته و در امان باشند و وجودش سراسر صلح و آرامش است و وقتی که می گوئیم شخصی بد اخلاق است یعنی کسی که دارای خصوصیات منفی و زشت بوده و در اثر این صفات منفی او همه از گرد او فراری می شوند .

جایگاه اخلاق

اخلاق از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است بدان اندازه که پیامبر اسلام (ص) فرمود: من برای تکمیل کردن مکارم اخلاق مبعوث شده ام.
اولین نمودی که از یک فرد در جامعه ظهور و بروز می نماید اخلاق آن فرد است ، چرا که می توان با آن هر انسانی را تحت تاثیر قرار داد و از آنجائیکه فضائل اخلاقی مطلق و یک امر فطری می باشد لذا همه افراد بشری هم فطرتاً آنرا می پسندند.

علم اخلاق

علم اخلاق ، راههای آراسته شدن به خصلتهای نیک و دوری گزیدن از خصلتهای ناشایست را به ما نشان می دهد موضوع اصلی علم اخلاق ، نفس انسانی است که محل استقرار خوی های نیک و بد است و سبب انجام کارهای پسندیده و یا ناپسند می گردد و تهذیب اخلاق، تهذیب نفس و تزکیه نفس بیان دیگری از علم اخلاق است بنحویکه شهید مطهری در تعریف اخلاق می گوید:

«اخلاق عبارت است از علم زیستن، یا علم چگونه باید زیست می باشد در حقیقت چگونه زیستن دو شعبه دارد یک شعبه چگونه رفتار کردن و شعبه دوم چگونه بودن، چگونه رفتار کردن، مربوط می شود به اعمال انسان (البته شامل گفتار هم می شود) که چگونه باید باشد و چگونه بودن مربوط می شود به خوبیها و ملکات انسان که چگونه و به چه کیفیت باشد.....» (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۲۱)

اخلاق و قرب الهی

از یک بعد، اخلاق یعنی بهبود روابط انسان با خدا، خود و دیگران، و همه بخش های اخلاق باید در نهایت به یک هدف ختم گردد و آن قرب الهی است.

اخلاق، براساس روابط انسان

۱- اخلاق بندگی: انسان نسبت به خالق و آفریدگار خود، وظایف اخلاقی دارد، هر کس احساس می کند هر چه دارد از خدای متعال است و تنها با عبادت معبود حقیقی هستی آرامش می یابد همانطوریکه خداوند متعال می فرماید: «ما خلقت الانس و الجن الا ليعبدون» پس فضایل و رذایل مربوط به رابطه انسان و خدا در اخلاق بندگی مشاهده می گردد، فضایی مانند شکر، توکل، ایمان، عبادت، اخلاص، تسلیم به امر خدا، تقوا و... در این قسم جای دارد.

۲- اخلاق فردی: هر انسانی نسبت به خود نیز وظایفی دارد، فضایل و رذایل مربوط به حیات فردی انسانها، فارغ از رابطه با غیر در اخلاق فرد بحث می شود.

فضایل صبر، شجاعت، حس، تدبیر، شهامت، حلم، عفت، حیا، زهد، قناعت، و... و رذایلی از قبیل جبن، تهور، عجله، غضب، عجب و...

۳- اخلاق اجتماعی: یکی از مهمترین وظایف اخلاقی یک شخص، ارتباط اخلاقی او با جامعه و محیط پیرامون اوست اعم از محیط خانواده و جامعه می باشد.

با این اوصاف آنچه که بعنوان ساختار سازی اخلاقی مطرح نظر است همان اخلاق اسلامی می باشد نه اخلاق ماکیاولی که همواره هدف را توجیه گر وسیله می داند چرا که دین مبین اسلام برای اخلاق، جایگاهی بسیار رفیع قائل است و منابع اسلامی نیز سرشار از آموزه های اخلاقی می باشد و هیچ دین و آئینی مانند اسلام و بالخصوص مذهب تشیع از لحاظ آموزه های اخلاقی که برگرفته از فطرت بشری می باشد از غنا برخوردار نیست، حتی دین مسیحیت که معروف به دین محبت است در بسیاری از مسائل اخلاقی هیچ راهکار و دستور العملی ندارد.

فرهنگ و مفهوم آن

واژه فرهنگ مرکب از دو کلمه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم و آداب و رسوم تعریف شده است. (معین، ۱۳۸۲، ۷۲۹)

واژه فرهنگ در پهلوی ساسانی به صورت «فره هنگ» آمده است که از دو جزء «فره» به معنای پیش و فرا و «هنگ» به معنای کشیدن و راندن، ساخته شده است در نتیجه «فرهنگ»

به معنای پیش کشیدن و فراکشیدن است به همین سبب که جامعه شناسان فرهنگ را سبب پیشرفت می دانند.

از فرهنگ تعاریف متعددی بعمل آمده است که شاید متجاوز از یکصد تعریف باشد که بعضی از این تعاریف مفهوم عام و برخی دیگر مفهوم خاص از این واژه دارند.

از جمله اینکه در سال ۱۸۷۱ تیلور (taylor) مردم شناسی انگلیسی اعتقاد داشت که فرهنگ عبارت است از مجموعه پیچیده ای از علوم، دانش ها، هنرها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت ها و بطور خلاصه کلیه آموخته ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می کند.

یا به اعتقاد «اسمتر» جامعه شناس آمریکایی، فرهنگ مجموعه آداب و رسوم و سنتها و نهادهای اجتماعی است.

اما فرهنگ از دیدگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی عبارت از: نظام واره ای است از (عقاید و باورهای اساسی)، «ارزشها»، آداب و رسوم و الگوهای رفتاری ریشه دار و «پریا» و «نمادها» و «مصنوعات» که ادارکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می دهد و هویت آن را می سازد.

با این اوصاف به عقیده نگارنده فرهنگ به مثابه کالبد و جسم انسان است و اخلاق روح آن می باشد و هر زمان که این روح متعالی بعنوان اخلاق اسلامی در کالبد انسان نفوذ یافت آن وقت آن جامعه، جامعه ای عاری از جرایم، زشتی، پلیدی خواهد بود.

ویژگیهایی که یک فرهنگ سالم می تواند داشته باشد عبارتند از: آموختنی بودن - خشنودی بخش - وحدت آفرینی - سازگاری داشتن است که همه اینها نیز نشأت گرفته از اخلاق صحیح اسلامی است.

در نتیجه در میان تمامی موجودات عالم، اخلاق و فرهنگ مختص انسان است که فلاسفه او را حیوان ناطق نامیده اند پس می توان فرهنگ را اخلاق انسان هم قلمداد نمود.

پیشگیری و مفهوم آن

پیشگیری در لغت به معنای جلوگیری، دفع و منع سرایت مرض، صیانت و حفظ سلامتی آمده است.

منظور از پیشگیری از جرم همه اقدامات و تدابیری است که پیش یا پس از وقوع جرم در جهت محور جرم و کاستن از میزان جرم و دشوار نمودن امکان وقوع جرم بکار می رود، پیشگیری از جرم در مفهوم موسع هم پیشگیری کیفری و هم پیشگیری غیر کیفری را شامل می شود در نتیجه جلوگیری از فعل و انفعال زیان آور محتمل برای فرد یا گروه و یا هر دو به عمل می آید.

انواع پیشگیری

الف: پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی رویکردی است که بدون توجه به شخصیت مجرم، تلاش برای اصلاح آن یا حذف تمایلات مجرمانه، صرفاً به دنبال کاهش فرصت‌های مجرمانه است، پیشگیری وضعی را اقدامات پیشگیرانه معطوف به اوضاع و احوالی که جرائم ممکن است در آن وضع به وقوع بپیوندند ترسیم می‌کند یا بطور صریحتر پیشگیری وضعی شامل اقدامات غیر کیفری است که هدفشان جلوگیری از به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی است که یک سلسله جرائم مشابه در آن شرایط به وقوع پیوسته و یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد.

ب: پیشگیری اجتماعی

پیش‌گیری اجتماعی با استفاده از محیط‌های اجتماعی به دنبال تاثیر گذاری بر فرایند شکل‌گیری شخصیت از طریق اقدامات تربیتی مانند آموزش، تربیت، ترغیب و حتی تنبیه عملی می‌شود و این پیشگیری درصدد هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی است و از آنجائیکه تمرکز اقدامات پیش‌گیری اجتماعی بر روی فرد است از این رو پیشگیری فرد مدار است و به عبارت دیگر پیش‌گیری اجتماعی بر این نظریه استوار است که عوامل مختلفی در ایجاد جرم موثر هستند و این پیش‌گیری به دنبال شناسایی این عوامل درصدد مهار آنها بر می‌آید که در نهایت منتج به مجرم نشدن افراد، حذف یا کاهش جرایم و سالم‌سازی جامعه می‌شود.

پیش‌گیری اجتماعی اقدامات تاثیر گذاری بفرایند شکل‌گیری شخصیت فرد یا محیط‌های پیرامون بعمل می‌آورد.

هدف از اقدامات پیش‌گیرانه:

پیش‌گیری از جرم با اهداف مختلفی صورت می‌گیرد که مصداق تمام آنها را می‌توان در تحقق جامعه‌ای با هویت اخلاق اسلامی خلاصه کرد، جامعه‌ای که در آن تمام دستورات الهی مورد عمل قرار گیرد و از نواهی او اجتناب گردد بصورت یک فرهنگ اجتماعی در می‌آید و از مهمترین اهداف پیش‌گیری فرهنگی نیز تلقی می‌گردد.

قرآن کریم انسان را با بیان «و کرمننا بنی آدم...» به مقام «احسن التقویم» کرامت داده و به او آموخته است که چگونه باید زندگی کند، یکی از ویژگی‌های افراد با ایمان، مسئولیت‌پذیری است که باعث می‌شود هر انسانی در اصلاح رفتارها، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای بیابد.

بی تفاوتی نسبت به بی بند و باری و سست شدن ارکان جامعه، برخلاف فطرت و وجدان انسانی و اخلاق اسلامی است زیرا بی مسئولیتی و بی تفاوتی نسبت به آنچه که در جامعه می‌گذرد، زیانهای جبران‌ناپذیری را به فرد و جامعه وارد می‌سازد، از اینرو اگر افراد جامعه نسبت

به یکدیگر احساس مسئولیت نداشته باشند و به منکرات بی اعتنا باشند، گناهان و معاصی توسعه پیدا کرده و پیامدهای منفی آن همه آحاد جامعه را در برمی گیرد، پس لازم است که از وقوع انواع آسیب های اجتماعی و تخلفات دینی پیش گیری گردد و اگر بخواهیم در کنار پیش گیری وضعی اقدامات مناسب دیگری نیز انجام دهیم بایستی در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی، ارزشهای اخلاقی را به فرزندان خود آموزش دهیم و به آنها بفهمانیم که فقط و فقط به خودشان فکر نکنند، بلکه برای دیگران هم ارزش و اهمیت قائل باشند و حقوق آنان را مراعات کنند، در اینصورت می توان به توفیق در پیش گیری از وقوع جرم بالاخص اعتیاد به مواد مخدر و تحقق جامعه ای سالم و عاری از اعتیاد امیدوار بود.

علل گرایش به اعتیاد

اعتیاد چیست؟ معنادار چیست؟

گرایش به مواد مخدر امروزه بصورت یک مشکل جدی در جامعه مطرح می باشد و در مورد علل گرایش به مصرف مواد مخدر و اعتیاد به آن فرضیه ها و دلایل مختلفی بیان شده است، اما هیچ یک از این نظریه ها به تنهایی نمی توانند علت غایی مصرف مواد مخدر در یک فرد را تشریح کنند.

در اغلب موارد مجموعه ای از عوامل در ایجاد مشکل نقش دارند اما در هر شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص و در هر فرد برخی از عوامل نقش بارزتری را در مورد سبب شناسی و اعتیاد ایفا می نمایند.

بررسی نظریه ها و بالاخص تحقیقات میدانی نشان می دهد که علل گرایش به اعتیاد، بیشتر حول چند محور قرار می گیرند که عبارتند از: لذت جویی - نارضایتی - نابدباری - ناسپاسی - زیاده خواهی و ناخوشتنداری و.... لازم است قبل از پرداختن به علل گرایش به اعتیاد، تعریفی هر چند مختصر از اعتیاد و معنادار داشته باشیم تا بهتر بتوان به زوایای روانشناختی پیشگیری آن پرداخت.

اعتیاد: عبارت است از وابستگی به عوامل یا مواردی که تکرار مصرف آنها با کم و کیف مشخص و در زمان معین از دیدگاه معنادار ضروری می نماید یعنی تداوم بخشیدن به مصرف مواد و عوامل مخدر درمانی عامیانه، غیر معمول و دور از موازین علمی می باشد.

معنادار: کسی است که نیازمند و وابسته روانی، جسمانی به مواد و عوامل مخدر و عادت زا می باشد که به منظور برآوردن آن بایستی از این مواد بطور مداوم و در فواصل مشخص استفاده نماید.

با این وصف اعتیاد پدیده ناهنجار پیچیده ای است که اصلی ترین ویژگی آن بروز رفتارهای داوطلبانه به مصرف نوع خاصی از مواد است، با وجود عواقب زاینبار آن رفتارهای

ارادی نامناسبی انجام می‌دهد پس باید توجه داشت که فرد معتاد در ابتدا، مواد مخدر را برای احساس رضایت جسمس و روانی مصرف می‌کند و عبارتی نوعی از احساس رضایت مندی، هیجان، لذت یا تلفیقی از این حالات را در فرد بوجود می‌آورد ولی بصورت فزاینده‌ای نسبت به مضرات آن و سلامت خود بی‌توجه است.

یکی از عوامل گرایش به اعتیاد، لذت جویی است که فرد را به سمت هر نوع لذت می‌کشاند و از هر نوع رنج فراری می‌دهد، عامل دیگر نارضایتی است، افراد ناراضی از زندگی ممکن است برای مهار آن به سمت اعتیاد روی آورند.

عامل دیگر نابداری است که در رویارویی یا سختی‌ها پیش می‌آید، افراد ناتوان در مقابله با سختی‌ها برای کاهش فشار آن ممکن است به موادی که اثرات تخریبی دارند، روی آورند، عامل دیگر ناسپاسی است براساس این عامل افرادی که نکات مثبت و خوشایند زندگی را نمی‌بینند و ناسپاسی می‌کنند، دچار احساس محرومیت می‌شوند و احساس محرومیت نیز زمینه‌ساز گرایش به اعتیاد است لذا بیش از دیگران زمینه‌ساز گرایش به مواد مخدر را دارند، عامل دیگر زیاده‌خواهی است افراد زیاده‌خواه که به هیچ چیز قانع نیستند، همواره خود را با انبوهی از خواسته‌های برآورده نشده رو به رو می‌بینند که فشار زیادی را بر آنان وارد می‌سازد و همین امر زمینه‌ساز گرایش به اعتیاد را فراهم می‌آورد، عامل دیگر ناخوشتنداری است، اعتیاد یک وسوسه فریبنده است که کشش زیادی از درون را به وجود می‌آورد.

از این رو ضعف خوشتنداری موجب شکستن مقاومت در برابر وسوسه مصرف مواد مخدر می‌شود و در نتیجه گرایش به اعتیاد را ایجاد می‌نماید.

الگوهای اخلاقی در پیشگیری فرهنگی از اعتیاد

رویکرد اخلاقی در پیشگیری از اعتیاد، به تناسب هر کدام از عوامل، راه کارهایی را ارائه می‌کند و در نهایت این راه کارها خود مبنای اساسی و کلی دارند که همه آنها را تحت پوشش قرار می‌دهد.

در مواجهه با عامل لذت جویی باید رویکرد لذت را تغییر داد بدین منظور باید نخست لذت جویی را تعدیل نمود که برای آن دو راه کار اساسی وجود دارد یکی تبدیل رغبت و علاقه ناپایدار انسان به لذت‌های پایدار و ابدی که در اثر زهد و تقوا و اطمینان قلب پدید می‌آید که مصداق «الا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد، ۲۸) یعنی با ذکر و یاد خدا قلبها آرامش و اطمینان پیدا می‌کند و دیگری نگاه انسان به زندگی و پایان پذیری آن و تبدیل به زندگی اخروی و ابدی که از این زندگی چند روزه دنیوی در مقابل آن بسیار بی‌ارزش است که همان یاد مرگ می‌باشد.

پس، از منظر اخلاق اسلامی رویکرد به زندگی، رویکرد «خیر» است پس اگر انسان بداند که فلسفه زندگی وی صرفاً همین «خیر» است و این ساختار اخلاقی را بعنوان یک فرهنگ بپذیرد نوعی پیشگیری قوی در برابر مبتلا شدن به دام اعتیاد که لذتی زود گذر است ایجاد می‌

گردد و ایجاد فلسفه «خیر» هم محتاج دو چیز است: یکی ایمان به «تقدیری» بودن امور عالم و دیگری «خیر» بودن تقدیرهای خداوند متعال بدین معنا که اعتقاد داشته باشد که: العبد یدبر و الله یقدر و در خصوص عامل دوم (نارضایتی) نیز اگر انسان هدف از آفرینش خود را برای کسب خیر و رضایت خداوند بداند هر نوع نارضایتی را تحمل می نماید و به مرحله ساختار سازی اخلاقی خیر باوری که دست یافت خود بخود سبب ایجاد فرهنگ پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر نیز می گردد.

بدین طریق ملاحظه می گردد سایر علل و عوامل گرایش به اعتیاد از قبیل نابدباری و ناسپاسی، زیاده خواهی و ناخویشتنداری با الگوهای اخلاقی قابل حل و پیشگیری می باشد.

نگاه جامع به عناصر فرهنگ سازی پیشگیری

نگاه جامع به عناصر اخلاق اسلامی پیشگیری نشان می دهد که همه آنها (خیر، تقدیر، رضا، صبر، شکر، یاد مرگ، زهد و تقوا، توکل، قناعت، پاداش، فلسفه بلا، روزی، عقل، عبرت، حزم، خوف، رجا، محبت، حیاء...و...) اموری اخلاقی و اعتقادی هستند و در تفکر اسلامی این امور منشاء واحدی دارند و آن توحید و خدا شناسی است و در چارچوب توحید که این عناصر اخلاقی شکل می گیرند و سبکی از زندگی را بوجود می آورند که موجب از بین رفتن هر گونه زمینه گرایش به اعتیاد می شود و از این رو مدل اسلامی پیشگیری از اعتیاد را مدل توحیدی می نامیم.

جایگزین نمودن لذات و هیجانات معنوی بجای لذات مادی:

گستره دیگر، لذات معنوی است که بنظر می رسد افراد معتاد در آن، نقطه ضعف داشته باشند چرا که بعد معنوی انسان یکی از ابعاد مهم و اساسی وی بشمار می رود و برای تحقق هیجان کامل، لازم است که این بعد نیز ارضا شود و لذت آن تامین گردد محور اساسی این بخش ارتباط با خداوند متعال است، ارتباط با خدا یکی از نیازهای اساسی انسان است تا خدا در زندگی انسان نباشد، زندگی بی معنا خواهد بود و زندگی بی معنا، سرد و بی روح است و اگر همه امکانات هم فراهم باشد ولی خدا در زندگی نباشد زندگی خسته کننده و ملال آور و ناامید کننده می باشد زیرا خداوند اصل و ریشه انسان است و قطع ارتباط با ریشه، موجب پژمردگی و افسردگی می شود و در نتیجه در جهت درمان این افسردگی به هر آنچه که او را تسکین می دهد روی می آورد که از مصادیق بارز آن مصرف مواد مخدر و النهایه معتاد و مبتلا شدن در دام این مواد افیونی است تا بلکه او را از این گرفتاریها نجات دهد در حالیکه غافل از اینکه تنها با ذکر و یاد خدا دلها آرامش پیدا می کند «الا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد، ۲۸) و به همین جهت است که خداوند تنها مایه شادی و سرور شناخته شده است. (قمی، ۱۴۰۲، ۴۶)

عوامل التذاذ معنوی بعنوان ساختارهای اخلاقی

۱- انس با خدا

یکی از اموری که در روایات مورد بحث قرار گرفته، انس گرفتن با خداوند است، در روایات از خداوند متعال بعنوان «انیس» یاد شده است و پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید که خدا برای انس گرفتن کافی است (مجلسی، ۱۴۰۹، ۷۱، ۳۲۵) و خدا انیس هر کس باشد، احساس تنهایی نخواهد کرد و بدون هیچ مونس‌ی نیاز او را برآورده می‌کند.

۲- یاد خدا

یاد خدا از دیگر عوامل مهم نشاط و شادابی در زندگی است، نقش یاد خدا در نشاط انسان با تعابیر مختلفی در آیات و روایات وارد شده است، آرامش و اطمینان نفس -جلای دلها - شرح صدر- حیات دل-حلاوت زندگی دوستداران خدا و اهل تقوا و یقین می‌گردد که هریک را می‌توان به بعدی از ابعاد نشاط اشاره کرد.

۳- ایمان و باور صادق به خدا

ایمان، از دیگر عوامل ارتباط با خدا و التذاذ معنوی است، در ادبیات دین از چیزی به نام (حلاوت ایمان) یاد شده است (محمدی، ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۱۵۶) آنچه این جا مهم است اینکه این شیرینی مربوط به لذتهای معنوی انسان است که می‌تواند نشاط روحی و روانی را برای انسان به ارمغان بیاورد. این شیرینی چنان لذتی دارد که هر کس آنرا بچشد از او روی گردان نمی‌شود.

۴- دعا و مناجات با خدا

یکی دیگر از لذایذ معنوی، دعا و مناجات است و یکی از بهترین انواع ارتباط با خداست و موجب تقرب به خدا، انس در تنهایی، زنده شدن دل و بهره‌مندی از آن می‌شود.

۵- خواندن قرآن

خواندن آیات نورانی قرآن کریم نیز مایه شادی قلب و زودودن سیاهی و زنگار دل می‌گردد.

۶- نماز

از دیگر رفتارهای مذهبی که می‌تواند لذت معنوی را بوجود آورد نماز است و یکی از مهم‌ترین توصیفهای قرآن کریم درباره نماز عبادت «اقم الصلاة لذكرك» است و بر این اساس نماز یاد خداست که موجب لذت می‌گردد و مانع از فحشا و منکرات می‌شود که بهترین پیشگیری فرهنگی تلقی می‌شود «اقم الصلاة ان الصلاة تنهى عن الفحشا والمنکر» (عنکبوت، ۲۵)

مبنای شرعی و اخلاقی جرم انگاری اعتیاد به مواد مخدر

یکی از دلایل جرم انگاری مصرف مواد مخدر ضد اخلاقیات و شرعیات شمرده شدن مصرف این مواد است و استعمال مواد مخدر و اعتیاد به آن در جامعه ضمن اینکه یک معضل اجتماعی است و بر این پایه در مبنای فکری اکثریت افراد جامعه امری مذموم و ناپسند می‌باشد

و خلاف اخلاق اسلامی و شرع مقدس نیز شمرده شده است با این وصف پر واضح است که اخلاق در جامعه می تواند پایداری برای ممنوعیت مصرف آن فرد مصرف کننده دست به کارهایی بزند که با معیارها و ساختارهای اخلاقی جامعه سازگار نباشد زیرا احساسات اخلاقی جامعه با دیدن مصرف مواد مخدر جریمه دار می شود.

برای پی بردن به این پرسش که آیا اخلاق جامعه ای تحمل مصرف مواد مخدر را دارد یا نه ، می توان به باورهای اجتماعی و فرهنگی آن جامعه توجه کرد .

بنابراین باورهای اجتماعی ، فرهنگی ، اخلاقی و یا به عبارت دیگر تصور کلی ای که افراد جامعه از رفتار درست و غلط در ذهن دارند معیارهایی برای شناسایی این امر است که آیا اعتیاد در آن جامعه مسئله ای غیر اخلاقی قلمداد می گردد یا خیر.

اعتیاد به مواد مخدر از نگاه شرع مقدس

از دیدگاه شرع مقدس اسلام که منشاء و سرچشمه ساختار سازی اخلاقی تلقی می شود هر چند که حکم صریحی درباره استعمال مواد مخدر وجود ندارد اما از جمله آیات قرآنی ای که می توان از آنها برای حرمت مصرف مواد مخدر و اعتیاد استفاده کرد عبارتند از:

الف): (و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث) (اعراف، ۱۵۷)

«و بر آنان هرطعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلیدی و منفور را حرام می گرداند.»
بنابراین می توان گفت که با این استدلال چون مواد مخدر جزء خبائث و اشیایی است که انسان از آن نفرت دارد، به صراحت این آیه حرام است.

ب): (ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة) (بقره، ۱۹۵)

هم چنین تعدادی از روایات هم که در کتب شیعه و سنی آمده و از واژه «بنج» به معنای «بنگ» به کار برده اند از جمله اینکه پیامبر اکرم (ص) در ارتباط با استعمال مواد مخدر می فرماید (من احتقر ذنب النج فقد کفر) (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۸۶) هر کس گناه استعمال بنگ را سبک شمارد کافر شده است.

فلذا براساس همین آیات روایاتی است که اکثریت فقهای قدیمی و معاصی از جمله آیات عظام محقق نجفی ، بروجردی ، امام خمینی، مرحوم مغنیه ، مکارم شیرازی، بهجت و ... استعمال و اعتیاد به مواد مخدر را حرام دانسته اند.

با این وصف ملاحظه می شود اگر این ساختار سازی اخلاقی که منبعث از فطرت بشری می باشد در جامعه بعنوان یک فرهنگ رواج پیدا کند بضرر قاطع می توان گفت در پیشگیری اعتیاد به مواد مخدر کاملاً مفید و موثر خواهد بود.

نتیجه گیری

با توجه به عدم کارایی واکنش‌های کیفی و مجازات‌های قانونی در دهه‌های اخیر در خصوص مصرف مواد مخدر و اعتیاد به آن، اگر ساختار سازی اخلاقی بصورت فرهنگ عمومی در جامعه ترویج گردد می‌تواند بعنوان پیش‌گیری غیر کیفی جایگزین واکنش کیفی در مورد اعتیاد قرار گیرد بدین‌طریق:

۱- از آنجا که اخلاق اسلامی حافظ شخصیت و کرامت انسانی می‌باشد و مواد مخدر شخصیت و فضایل اخلاقی و عزت نفس را از فرد سلب می‌نماید و زبونی و ذلت را جایگزین آن می‌کند فلذا بایستی مردم و بالخصوص حکومت در ارتقای اخلاقیات بکوشند تا از این طریق از گرفتار شدن در دام اعتیاد رهایی یابند.

۲- بایستی رویکرد لذت‌جویی از مصرف مواد مخدر را تغییر و با تبدیل آن به لذت‌های پایدار و ابدی که در اثر تقوی و یاد خدا بودن بوجود می‌آید و به مرحله خیر باوری می‌رسد و سبب پیش‌گیری از اعتیاد را بوجود خواهد آورد.

۳- در صورت ساختار سازی اخلاقی در جامعه در جهت پیش‌گیری فرهنگی از اعتیاد به مواد مخدر نه تنها بسیاری از هزینه‌های مادی و معنوی مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر کاهش می‌یابد بلکه از بسیاری از آسیب‌ها و معضلات فردی و اجتماعی که زاینده اعتیاد هستند نیز جلوگیری بعمل می‌آید.

۴- برای ساختار سازی اخلاقی در جامعه جهت تبیین فرهنگ پیش‌گیری از جرائم بالاخص اعتیاد به مواد مخدر بایستی آیات الاخلاق قرآن کریم و هم‌چنین احادیث معصومین علیهم السلام در این خصوص تشریح گردد و بدیهی است که در صورت تبیین صحیح این آیات و احادیث بلحاظ فطری بودن آنها بدون تردید مورد پذیرش افراد جامعه قرار خواهد گرفت.

۵- از آنجائیکه یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری مشکل اعتیاد به مواد مخدر می‌باشد که در کمین افراد جامعه بویژه جوانان و نوجوانان است و طبعاً پیش‌گیری بهتر از درمان است چرا که اگر پیش‌گیری به موقع و مناسب انجام گیرد دیگر نیازی به درمان نیست و در نتیجه ساختارهای اخلاقی و رویکرد‌های پیش‌گیری از سوء مصرف مواد مخدر در میان جوانان بایستی در سنین نوجوانی و جوانی بعنوان آسیب‌پذیرترین گروه خطر متمرکز گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. اصغر نژاد، علی اصغر، «نقش مذهب در پیش گیری از اعتیاد مجموعه مقالات پیش گیری از اعتیاد» تهران، انتشارات اطلاعات ۱۳۸۹.
۲. خمینی (امام)، روح الله، تحریر الوسیله، جلد ۱، قم، دارالکتاب العلمیه، اسماعیلیان، بی تا
۳. داوری، محمد، «پیش گیری و کنترل اعتیاد با نگرش اسلامی» قم، نشر کلک، سال ۱۳۸۱.
۴. رحمدل، منصور، حقوق کیفری مواد مخدر، نشریه دادگستری، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۵. شاکرمی، عبدالحسین، مواد مخدر و اعتیاد، تاریخچه انواع علل، عوارض، درمان، نشر گوتنبرگ، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶. صانعی، سید مهدی، بهداشت روان در اسلام، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷.
۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، جلد ۲، قم، موسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۸. عزیزی، عبدالرضا، اعتیاد چیست؟ نیاز، جرم، بیماری؟ انتشارات چهارم، تهران، چاپ دوم دی ماه ۱۳۸۳.
۹. عقیقی بخشایش، عبدالرحیم، «اعتیاد از دیدگاه دین و خرد» نشریه فلسفه کلام و عرفان، شماره ۴۴ سال ۱۳۸۴.
۱۰. فرخاک، داریوش، جامعه عاری از اعتیاد، تهران، انتشارات پر شکوه ۱۳۸۱.
۱۱. قربان حسینی، علی اصغر، پژوهشی نو در مواد مخدر و اعتیاد، تهران، انتشارات امیر کبیر ۱۳۶۸.
۱۲. قربانی، حسین، «نقش مذهب در پیش گیری از اعتیاد»، نشریه روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۴۴
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری، قم، انتشارات موسسه امام خمینی، چاپ اول ۱۳۷۶.
۱۴. مصدری، فرح، «تاثیر نماز بر ترک اعتیاد» نشریه اقتصاد، شماره ۴۶۳ سال ۱۳۸۶.
۱۵. مطهری (استاد شهید مطهری)، «فطرت» انتشارات صدرا، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۰.
۱۶. معین (دکتر محمد) «فرهنگ فارسی معین» انتشارات زرین چاپ اول سال ۱۳۸۲.
۱۷. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات سید جمال الدین اسد آبادی، زمستان سال ۱۳۷۹



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی